



دانش آموزان منفعل، دانش آموزان پویا

○ زینب میرفیضی

کلاس شلوغ و پر از سروصدا بود. بعضی بچه‌ها همان‌طور که دستشان را بلند کرده بودند، می‌گفتند: «خانم ما بگیم! خانم ما...» قرار بود کلاس را برای روز دانش‌آموز تزیین کنند و بچه‌ها نظرشان را بگویند. امیر، ردیف دوم کنار پنجره نشسته بود و با خودش فکر می‌کرد که اگر بادکنک‌ها را به شکل اسم کلاسشان تزیین کنند، جالب می‌شود.

بغل دستی‌اش، محسن را صدا کرد و ایده‌اش را به او گفت. محسن هم با ذوق گفت: «آره، خیلی باحاله! بلند شو بگو!»؛ اما امیر از محسن خواست به جای او ایده‌اش را بلند بگوید. محسن هم با هیجان ایده امیر را گفت و همه خوششان آمد. امیر هم از ته دلش خوشحال بود و با محسن می‌خندیدند، اما این رفتار امیر تا چندسالگی می‌توانست ادامه پیدا کند؟

چرا بعضی دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی مشارکت نمی‌کنند؟

دانش‌آموزانی مثل امیر در مدارس کم نیستند. کسانی که با وجود ایده‌های خوب و خلاقانه، جسارت اظهارنظر در فعالیت‌های گروهی را ندارند. امیر اصلاً دانش‌آموز کم‌حرف و درون‌گرایی نیست؛ برعکس خیلی دوست دارد در جمع باشد، همیشه با دوستان صمیمی‌اش می‌خندد و بازی می‌کند، اما در جمع‌های غیر از افراد صمیمی، کم‌حرف است و اظهارنظری نمی‌کند. امیر یک ترس ناخواسته از برقراری ارتباط با افراد ناآشنا و جمع‌های شلوغ دارد. این ترس دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که برخی از آن‌ها را با هم بررسی می‌کنیم.

حضور در یک جمع خاص و محدود

داستان کم‌رو بودن این دانش‌آموز معمولاً از کودکی و حتی نوزادی شروع می‌شود. معمولاً در خانواده‌هایی که فقط با افراد محدودی معاشرت دارند، کودک فقط می‌تواند با گروه خاصی ارتباط برقرار کند.

احتمالاً شنیده‌اید که بعضی نوزادان از حدود ۴ تا ۱۲ ماهگی غریبی می‌کنند. در این بازه سنی، دوری از غریبه‌ها تا حدودی طبیعی است؛ چون تا پیش از آن، نوزاد هنوز قدرت تشخیص اطرافیان را ندارد و سعی می‌کند به این شکل از خود دفاع کند. اگر دایره افرادی که کودک و خانواده‌اش با آن‌ها معاشرت می‌کنند، محدود بماند، این رفتار و غریبی کردن بعد از یک‌سالگی هم ادامه پیدا می‌کند و اثرات آن در دوران مدرسه خودش را نشان می‌دهد. مثلاً امیر همیشه با مادر بزرگ و خاله‌هایش ارتباط دارد، با پسرخاله‌اش صمیمی است و در جمع خانواده مادری همیشه

راهکارهایی برای تربیت دانش‌آموزان فعال و اجتماعی

مدرسه محلی برای تعلیم و تربیت است. بسیاری از رفتارهای صحیح اجتماعی با حضور دانش‌آموزان در مدرسه شکل می‌گیرد. چند پیشنهاد کوتاه برای والدینی که فرزندشان علی‌رغم برخورداری از استعداد های فراوان، در مدرسه کم‌حرف و منفعل است:

۱. با معلم و معاون پرورشی فرزندتان صحبت کنید. از آن‌ها مشورت بخواهید و نظراتشان را درباره نوع رفتار فرزندتان در جمع بپرسید. معلم‌ها بهترین همراه در این زمینه هستند و می‌توانند نقش کلیدی در ارتقای اعتماد به نفس فرزندتان داشته باشند. از آن‌ها بخواهید فرزندتان را با توجه به علاقه و توانایی‌هایش در فعالیت‌های گروهی بیشتری مشارکت دهند و نظرش را در مراحل مختلف بپرسند. مثلاً برای طراحی دکور صحنه نمایش یا تزئین هدایای روز دانش‌آموز.

۲. خودتان در منزل و جمع‌های خانوادگی نظر فرزندتان را در مورد مسائلی که از آن‌ها اطلاع دارد، بپرسید. مثلاً اگر به فیلم با انیمیشن خاصی علاقه‌مند است، درباره شخصیت‌های فیلم از او سؤال بپرسید و پاسخ صحیحش را تحسین کنید.

۳. اجازه دهید در جمع‌های مطمئن، بدون حضور شما شرکت کند. طبیعی است که نگران دوستان و اطرافیان فرزندتان باشید تا مبادا با افراد نادرست رفاقت و هم‌نشینی کند، اما با انتخاب مکان‌های مطمئن خیالتان تا حد زیادی آسوده خواهد بود.

مساجد محل، پایگاه‌های فرهنگی، کانون‌های پرورش فکری و جمع‌های مناسب خانوادگی، بهترین مکان برای افزایش مهارت ارتباطی فرزندتان است. اجازه دهید در مساجد و پایگاه‌های فرهنگی به تنهایی حضور پیدا کند، در اردوهای مناسب سنش شرکت کند و مسئولیتی به عهده بگیرد.

در جمع‌های خانوادگی هم اجازه دهید با خانواده‌هایی که با شما تناسب فرهنگی و اعتقادی دارند، رفت‌وآمد بیشتری داشته باشد.

۴. به او کمک کنید علاقه و استعدادش را شناسایی و برای پیشرفت در آن برنامه‌ریزی کند. اگر به ورزش خاصی علاقه دارد، اگر هنر و نقاشی لذت می‌برد، اگر عاشق ساختن وسایل جدید است، اجازه بدهید در آن زمینه به مهارت کافی برسد. او را در کلاس‌های مناسب ثبت‌نام و تا می‌توانید از او حمایت کنید. حتی اگر در زمینه مورد علاقه‌اش پیشرفت چشمگیری نداشت، تلاش و پشتکارش را تحسین کنید و مهارت ارتباطی‌ای که به دست آورده را مهم‌ترین دستاورد بدانید.

این تغییرات به مرور و با گذشت چند ماه یا یک سال قابل ارزیابی هستند. صبور باشید و حتماً از معلمان فرزندتان تغییرات رفتاری او را در مدرسه پیگیری کنید تا برای هر مرحله از پیشرفتش، برنامه جدیدی در نظر بگیرید.

پرحرف و بازیگوش است، اما با خانواده پدرش ارتباط کم‌رنگ‌تری دارد و همیشه در جمع آن‌ها کم‌حرف و ساکت است. این رفتار در مدرسه هم ادامه پیدا می‌کند. او با دوستان صمیمی‌اش همیشه خوشحال است و تعامل خوبی دارد، اما خارج از این دایره و برای اظهار نظر در جمع‌های بزرگ‌تر دچار مشکل می‌شود.

حساسیت‌های خانواده و عدم استقلال فرزندانشان

بعضی خانواده‌ها به دلیل حساسیت بیش از حد روی فرزندشان، به آن‌ها اجازه حضور مستقل در جمع‌های مختلف را نمی‌دهند. حضور به تنهایی در کلاس‌های غیردرسی، کارگاه‌های آموزشی، اردوهای مدرسه و... به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد خارج از محیط خانواده و سایه والدین، مهارت‌های ارتباطی مختلف را به دست بیاورند.

امیر هم تک‌فرزند است و خانواده‌اش اجازه نمی‌دهند در اردوهای مدرسه شرکت کند. آن‌ها نگران‌اند در این اردوها اتفاق ناخوشایندی برای امیر بیفتد.

تجربه‌های تلخ مورد تمسخر قرار گرفتن با تحقیر شدن

گاهی تجربه‌های ناخوشایند کودکان در سال‌های پیش از مدرسه، زمینه‌ساز رفتارهای آن‌ها در سال‌های تحصیل است. بسیار اتفاق می‌افتد که فرزندتان درباره موضوعی در خانواده اظهار نظر کودکانه‌ای می‌کنند. والدین یا سایر بستگان به این نظر ساده می‌خندند و آن را دست‌مایه خنده و شوخی قرار می‌دهند. گاهی حتی بدتر از آن، با پرخاش و تندی یا الفاظ نامناسب با کودکان برخورد می‌کنند. این رفتارهای غلط، اعتماد به نفس دانش‌آموز را پایین می‌آورد تا حتی در جمع هم سن و سالان خودش هم نتواند نظر خود را بیان کند تا مبادا مورد تحقیر و تمسخر قرار بگیرد.

امیر هم دقیقاً این مشکل را دارد. او می‌ترسد نکند حرفی بزند و بقیه به نظراتش بخندند و مسخره‌اش کنند.

”

رفتارهای غلط، اعتماد به نفس دانش‌آموز را پایین می‌آورد تا حتی در جمع هم سن و سالان خودش هم نتواند نظر خود را بیان کند